

## ● مقدمه

با روی کارآمدن حکومت نوظهور شیعی مذهب صفوی، گویی رنسانسی در هنر ایران به وقوع پیوست. به علت عدم حمایت شاهان صفوی از هنر ارزشمند کتاب آرایی، آن تمرکز پیشین که در بین هنرمندان وجود داشت، به پراکندگی انجامید و یک دستی و پیوستگی در تولید آثار، که اصلی ترین جلوه اش تصویرسازی برای کتاب بود، از دست رفت. اما این رنسانس هنری، منجر به پیدایش سلیقه های متنوع و نو پسند، در بین اقشار مختلف مردم گردید. شاخه های متعددی از این نهال نوظهور رشد یافت و رشته های متنوعی ایجاد شد. در میان انبوه شاخه های نورسته هنری، نشان دادن نقش بر بستر دیوار اماکن مذهبی، یکی از این جلوه های هنر عامیانه است که پیش از عهد صفوی سابقه روشنی ندارد.

موضوع اصلی این تحقیق، بررسی دیوارنگاره های اماکن مذهبی است که توسعه جدی آن در سده ی یازدهم هجری شروع شد و در دوران حکومت قاجار همگام با تعزیه به اوج و اعتلای خویش دست یافت. از جمله عواملی که در پیدایش و توسعه این هنر عامیانه نقش داشت، می توان نیاز حاکمان به تبلیغات سیاسی دانست که این توفیق با تمسک به مذهب امکان پذیر بود. آن ها برای کسب وجهه مشروع برای ادامه حکمرانی بر مردم به تایید و همراهی آنان نیاز داشتند و تنها گزینه قابل قبول دست یازیدن به تشیع بود که از جایگاه محکمی نزد اصناف مردم برخوردار بود. بنابراین، آزادی مردم در بیان عقاید خویش، چون: ذکر مصیبت ائمه اطهار- شرح زندگانی پیامبران- روضه خوانی و غیره، به بروز هنری تصویری برای درک بهتر مصایب وارده بر بزرگان دین، منجر شد. تعزیه خوانی و آراستن دیوار اماکن متبرکه با تصاویری از واقعه عظیم عاشورا از دست آوردهای مهم آزادی بیان در آن دوره محسوب می شود.

درست است که رواج اندیشه ی شیعی در دوران زمامداری صفویه منجر به ظهور مکاتب مختلف هنری همچون نقاشی قهوه خانه و نیز هنرهای تصویری عامیانه مثل: نقاشی پشت شیشه-عیدی سازی-مصور سازی کتاب های عامیانه مذهبی- پرده های نقالان- دیوار نگاری بقاع متبرکه و غیره شد اما باید خاطر نشان کنیم که اعتلای اغلب این هنرها در دوران قاجاریه و همگام با رشد تعزیه به وقوع پیوست.

امروزه، در اثر تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی، اغلب این آثار مورد بی مهری واقع شده و حتی از یادها رفت.

تحقیق پیش رو، تلاشی است برای معرفی اماکن مذهبی در شهرستان کاشان، که هنوز این گونه تصاویر را با آغوش باز در خود جای داده است و همچون مادری مهربان از این فرزند رنجور که چند صباحی بیشتر زنده نخواهد ماند، به پرستاری مشغول است. ضمن اینکه شناختی دوباره است نسبت به ارزش های چشمگیر این هنر و این که در گذشته از چه جایگاه اجتماعی و فرهنگی نزد مردم برخوردار بوده ولی امروزه به دست فراموشی سپرده شده است.

# فصل اول

طرح پژوهش

## ۱-۱) تعریف مساله و پرسش های اصلی تحقیق

دیوار نگاره های بقاع متبرکه، نوعی تصویرسازی متون عامیانه مذهبی است که از میان توده مردم برخاسته و بر روی دیوارها نقش بسته اند. هنرمند تصویرگر، دلبستگی ها و شور درونی اش نسبت به ائمه اطهار را به این صورت رقم زده و به زبانی بسیار ساده و روان به بازگویی روایت ها پرداخته است. وی با اشراف به این نکته که بیننده این گونه تصاویر که برای تسکین آلام درونی و کسب آرامش پای به این فضای مقدس می گذارد، به تغییر و تحول روحی و روانی نیازمند است، توانسته با بهره گیری از نقوش گل و گیاه- حیوانات- فرشتگان و تمثال ائمه فضایی روایت گونه ایجاد کند، به گونه ای که چشم را به دنبال خود می کشاند و سکوت عرفانی حاکم بر بقعه را با جاری شدن اشک درهم می شکند.

این هنرمندان که از حمایت متولیان امور برخوردار نبوده اند و گاه غریبانه و ناشناس زیسته و گمنام مانده اند، به خوبی توانسته اند، باورها و اعتقادات خالصانه شان را بر بستر سپید گچ و در میان نقوش برآمده از ایمان قلبی به نمایش بگذارند و بینندگان آثارشان را به همان عوالم پر رمز و رازی که خود در آن می زیستند، بکشانند.

موضوعات تصویر شده که بیشتر وقایع عاشورا و زندگانی ائمه و نیز زمینه های دیگری چون گل و گیاه و پرندگان را شامل می شود جایگاهی فراتر از زیبایی صوری و ظاهری دارند و هنرمند صرفا به شرح رویدادی خشک و بی روح پرداخته، بلکه مفهومی عمیق تر در هر نقشی که بر دیوار می نشاند، نهفته است. نبرد دو نیروی خیر و شر که ریشه در باور مردم دارد و همچنین تقابل نور و ظلمت و در نهایت پیروزی آن که حق است بر باطل همیشه بازنده، تنها نمونه ای از مفاهیم بی شماری است که در این آثار نهفته است و بررسی همه آن ها همتی والا می طلبد تا بتوان به کنه ذهن هنرمند آفریننده این آثار پی برد.

همچنین این تصاویر اگرچه بسیار ساده ترسیم شده اند و از فن طراحی پیچیده و رنگ آمیزی بهره کمی دارند اما توانسته اند فضای معنوی مناسبی در ذهن مخاطب، مخصوصا در مراسم آیینی از جمله مراسم تعزیه و سوگواری در ماه محرم فراهم سازند.

هنرمند علاوه بر پر و بال دادن، افزودن یا کاستن داستان‌ها، سعی کرده معادل تصویری این زبان استعاری را بیابد و بر حسب ذائقه و پسند مردم دگرگون نماید.

این هنر تقریباً از عهد صفوی آغاز شد و در دوران قاجار و همگام با هنر تعزیه به اوج خود رسید. اما این فن دیری نپایید و رو به افول نهاد و همزمان با گسترش زندگی مدرن و به بهانه رفاه حال همان مردمی که روزگاری با صفای باطن به بهای برآورده شدن حاجت‌شان نذر می‌کردند تا نقشی زنند بر بستر گچ، مورد بی‌مهری فراوان قرار گرفت و همچون تکیه عباس آباد<sup>۱</sup>، قربانی طرح تعریض خیابان شد. اما هنوز اماکنی هستند که از این قائله جان بدر برده‌اند و در برابر این همه جفا ایستادگی کرده‌اند. هنوز نقش مایه‌هایشان از جنبه‌ی زیبایی‌شناسی غنی و پرمایه است و باید آن چنان که شایسته است به بررسی و مطالعه آن همت گماشت.

شهر کاشان از جمله مناطق شیعه‌نشین است که از روزگاران گذشته به دارالمومنین شهره بوده است و دارای اماکن متبرکه بسیاری است که برخی از آن‌ها از تزیینات دیوارنگاری برخوردار است. در این تحقیق، تلاش بر این شده که تصاویر از لحاظ تنوع فرم و رنگ مورد مطالعه قرار گرفته تا ضمن بررسی نقوش از جنبه زیبایی‌شناسی مجموعه مصوری مختص منطقه کاشان گردآوری شود.

همچنین این پژوهش بر آن است تا برای پرسش‌های زیر پاسخ مناسبی بیابد:

- ۱- آیا هنرمند خالق این آثار بدون هیچ مطالعه‌ای در مورد ادبیات غنی - کتیبه‌های باشکوه - تاریخ و غیره دست به خلق این تصاویر زده است؟
- ۲- چگونه است که این هنر هم مخاطب عام دارد و هم مخاطب خاص را مجذوب می‌کند؟
- ۳- چرا داخل بقاع متبرکه را با این هنر تزیین می‌کردند؟
- ۴- آیا این نقوش صرفاً جنبه تزیین داشتند یا هدف والاتری در پس آن نهفته است؟
- ۵- بررسی و مطالعه تأثیرات این هنر از هنرهای دیگر.

---

۱ - تکیه و گذری قدیمی است که در محله پشت مشهد کاشان ( بلوار نماز کنونی ) واقع است.

## ۲-۱) پیشینه پژوهش پیرامون دیوار نگاری اماکن متبرکه

در زمینه دیوار نگاری اماکن متبرکه، انتشارات فرهنگستان هنر کتابی را با این عنوان به چاپ رسانده: نقاشی های بقاع متبرکه در ایران- علی اصغر میرزایی مهر. ایشان بیشتر به توصیف نقش مایه ها مخصوصا در منطقه گیلان پرداخته اند و بقیه نقاط ایران کمتر مورد توجه واقع شده است.

همچنین دکتر پدرام خسرو نژاد رئیس گروه مردم شناسی ایران در دپارتمان مردم شناسی دانشگاه سن اندروز مقاله خود را با موضوع (نقاشی های دیواری امامزاده ها و بقاع متبرکه ایران) در همایش بین المللی (دین در آینه هنر) ارائه کردند. تاکید اصلی در این پژوهش بر روی ارتباط بین تصاویر مذهبی و احترام به ائمه (ع) توسط شیعیان ایران است.

خانم دکتر مهناز شایسته فر در مجله (کتاب ماه هنر- خرداد ۱۳۸۷) مقاله ای در مورد کتاب آقای علی اصغر میرزایی مهر (نقاشی های بقاع متبرکه در ایران) ارائه نموده اند و در مورد این کتاب مطالب جامعی عنوان نموده اند.

آقای رحمان احمدی ملکی در مقاله خود درباره تمثال ها و تصویرهای اماکن متبرکه به شرح تقابل نیروهای خیر و شر در تصاویر دیوارنگاره ها پرداخته اند و بیشتر نقش رنگ را در نمایش وقایعی چون قیام عاشورا، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.

آقای دکتر حبیب الله آیت اللهی و مهدی اخویان نیز در کتاب گنجینه فرهنگستان هنر، پژوهشی در مورد هاله مقدس در نقاشی دیواری بقاع متبرکه ایران ارائه نموده اند و به مطالعه منشاء هاله مقدس و نیز رنگ آن در اطراف سر قدیسن در نقاشی دیواری بقاع متبرکه در ایران پرداخته اند.

پایان نامه ی آقای مهدی اخوی یان با عنوان بررسی نقاشی های دیواری در امامزاده های شمال ایران نیز صرفا به آن منطقه پرداخته شده است.

اما در مورد بررسی و مطالعه تصاویر دیوار نگاره های اماکن مذهبی در کاشان تاکنون هیچ کتاب، مقاله یا پایان نامه ای به نگارش در نیامده است؛ از این نظر پژوهش پیش رو تنها نوشته ای است که منحصر به موضوع «بررسی و مطالعه تصاویر دیوارنگاره های اماکن مذهبی در کاشان اواخر صفویه و اوایل قاجار» می پردازد.

### ۳-۱) ضرورت انجام تحقیق

تردیدی نیست که روزگاری نه چندان دور عمده بناهای آرامگاهی و البته برخی بناهای مذهبی دیگر همچون حسینیه ها، تکایا و سقاخانه ها نیز بر دیوارهای خود تصاویری با مضامین مذهبی داشتند ولی تحولات سریع اجتماعی باعث افول این دیدگاه و هنر شد. در این میان شهر کاشان نیز از این گزند مصون نمانده و تصاویر برخی از اماکن مذهبی- تاریخی یا طعمه ی حریق گشته و یا بر اثر شرایط نامساعد جوی و نیز بی مهری بازدیدکنندگان دچار آسیب های جدی شده است و اگر در این زمینه پژوهشی صورت نگیرد روزی فرا می رسد که حتی یک نمونه از این آثار در دسترس نباشد.

### ۴-۱) اهداف مطالعه

- ۱- بررسی تاریخچه آرامگاه سازی و رواج آن در ایران شیعه مذهب
- ۲- بررسی و مطالعه دیوارنگاری از آغاز تا آراستن آرامگاه ها با این هنر
- ۳- معرفی کاشان و اماکن مذهبی موجود در این شهر که دارای دیوار نگاره هستند.
- ۴- بررسی نقش مایه ها از جنبه ی زیبایی شناسی
- ۵- مطالعه جایگاه اجتماعی هنرمندان بقاع متبرکه
- ۶- بررسی و مطالعه ی تصاویر از جنبه ی سبک شناسی
- ۷- همگامی این هنر با هنرهای عامیانه ی دیگری چون تعزیه
- ۸- مقایسه اماکن مذهبی در کاشان با امامزاده های شمال و مطالعه سه دیوار نگاره در کاشان
- ۹- نگاهی دوباره به تصویرسازی دینی (قیام عاشورا) با الهام از دیوار نگاره های اماکن مذهبی در بخش عملی.

### ۵-۱) فرضیه های تحقیق

تزیین آرامگاه ها با تصاویر روایی خاص صورت می گرفت که برگرفته از تفکر شیعی آن دوران است. هنرمندی که این نقوش را با صفای باطن و خلوص نیت بر دیوار رقم می زد، هدفی والاتر از تزیین در سر داشت که مطالعه دقیق این تصاویر ما را به کشف این هدف رهنمون خواهد ساخت.

## ۶-۱) روش تحقیق و چهارچوب نظری

این تحقیق با روش کلی تحلیلی-توصیفی به شیوه ی کیفی و با رویکرد تصویری شکل می گیرد. در نتیجه چهارچوب نظری آن همراه با رویکرد تصویری بر محور زیبایی شناسی است. تحقیق به صورت مکانی و حضوری و نیز در برخی موارد کتابخانه ای و آرشیوی صورت می گیرد.

## ۷-۱) طرح کلی محتوای هریک از فصل ها و روابط بخش های گوناگون

پس از مطالعه ی طرح پژوهش در این فصل، در فصل دوم برای آشنایی با رواج آرامگاه سازی در ایران، در بخش نخست فصل، به اختصار به تاریخچه ی آرامگاه سازی پرداخته شده و در بخش دوم نیز تاریخچه ی دیوارنگاری و آراستن اماکن مذهبی با این هنر تشریح شده است و در بخش سوم علاوه بر شرح مختصر زمینه های تاریخی-جغرافیایی و مذهبی کاشان، اماکن متبرکه دارای دیوارنگاره نیز معرفی شده است.

فصل سوم به بررسی نقش مایه ها از جنبه ی زیبایی شناسی و تشریح مختصری در مورد نماد شناسی رنگ و عناصر اختصاص دارد.

در این فصل همچنین علاوه بر مطالعه تصاویر از وجه سبک شناسی، تاثیرپذیری این هنر از هنرهای قبل یا هم عصر خویش را مدنظر قرار داده و به بررسی پیوند این فن با هنرهای همچون تعزیه پرداخته شده است.

فصل چهارم به مقایسه این بناها در کاشان و منطقه شمال پرداخته و مطالعه مختصری در مورد تصاویر سه دیوار نگاره در کاشان صورت گرفته است.

موضوع عملی تصویرسازی نگارنده، تصویرسازی دینی به ویژه وقایع عاشورا است که روزگاری زینت بخش آرامگاه ها بوده است. از این رو در فصل پنجم اشعار مذهبی که در وصف وقایعی چون قیام عاشورا سروده شده است، دست مایه ی خلق آثار قرار می گیرد.



## فصل دوم

### بخش اول

تاریخچه ی آرامگاه سازی

## • تاریخچه مختصری در مورد آرامگاه ها

### ۱-۲) ورود اسلام به ایران:

از آنجا که موضوع تحقیق در مورد دیوار نگاره های اماکن مذهبی در ایران و به خصوص شهر کاشان است، قبل از هر چیز نگاه مختصری می کنیم به ورود دین اسلام به این سرزمین و تاثیرات شگرفی که در پی داشت.

ظهور اسلام در آغاز قرن هفتم میلادی، بنیاد بسیاری از کشورهای کهن و متمدن آن زمان را دگرگون ساخت و قدرت و نفوذ آن در ترکستان غربی و پنجاب از یک طرف و اسپانیا از طرف دیگر گسترش یافت (کیانی، ۱۳۸۷، ۳).

پیروان این دین، ادای شهادتین را فرض ضروری اظهار مسلمانی می دانستند که بر یگانگی حق و رسالت نبی اکرم (ص) اذعان داشت، پس ضرورت ساخت بنایی را ایجاب کرد که از یک سو نماد عینی اسلام و از طرف دیگر، مقر و مرکز انجام عبادات اسلامی باشد. هنگامی که ایرانیان مخاطب اسلام واقع شدند، خسته از جنگ های بسیار و نظام طبقاتی مبتنی بر تبعیض و فساد که بر بطن و متن موبدان و امیران نشسته بود، این پیام جدید را پذیرفتند و در مدت کوتاهی خود را به اسلام تسلیم کردند تا زندگی جدیدی تجربه کنند. ایران اسلامی، معماری نوینی را مبتنی بر دو عامل معنوی و فکری نیرومند، که از یک سو ملهم از معماری و هنر قدسی گذشته ایران (به ویژه هنر دوره ساسانی) و از سوی دیگر روح حاکم بر تعالیم و معنویت اسلامی بود، بنیان نهاد و در این قلمرو مهمترین مصداق معماری خود را که هویت مذهبی داشت، مسجد قرار داد (بلخاری، ۱۳۸۸، ۷۸).

پس از آن، معماری اسلامی در ایران از محدوده مسجد فراتر رفت و بناهای دیگری چون مدارس، تکایا و به ویژه آرامگاه ها را دربر گرفت.

### ۲-۲) آرامگاه و نقش آن در تفکر شیعی:

بی گمان آرامگاه به استثنای مسجد، بیشتر از هر نوع بنای معماری در ایران دوره ی اسلامی مورد توجه عام بوده است (کیانی، ۱۳۹۱، ۵۸). امروزه، کمتر شهر و روستایی را می توان یافت که از این بنای مذهبی بی بهره باشد. مردم برای بقاع متبرکه احترام خاصی قایل هستند و صاحب خفته در این مکان را به عنوان واسطه ای، جهت شفاعت نزد خالق بی همتا، مورد خطاب قرار می دهند و برای

برآورده شدن حاجاتشان به او تمسک می جویند. این اعتقاد سالهاست که با این مردم و اندیشه شان عجین شده و آن ها را از دور و نزدیک به سمت خود می کشاند.

حال باید دید که این رسم بنا کردن آرامگاه بر مزار بزرگان دین از چه زمانی در باور مردم جای خود را باز کرد؟

اگرچه تاثیرپذیری از هنر و تمدن قبل از اسلام در بسیاری از نمودهای هنر و فرهنگ اسلامی آشکار است، اما در مورد بناهای آرامگاهی باید گفت: در ایران قبل از اسلام هیچ نوع نشانه مهمی از آثار آرامگاهی که مستقل بنا شده باشد وجود ندارد. گور باشکوه کوروش در پاسارگاد استثنایی است بر این قاعده (تصویر ۱). شاهان بعدی هخامنشی در اتاق های تدفینی که در کنار صخره در دل کوه کنده شده، قرار گرفته بودند و چنین گورهای صخره ای ظاهرا تا مدتی پس از برافتادن آن سلسله نیز رواج داشته است. طبق آنچه از توصیفات کتبی یونانی بر می آید رسوم خاک سپاری در ایران پارسی، ظاهرا با ساختن آرامگاه همراه نبوده است، اما در مورد شاهان ساسانی در حالی که آنان همگی هوادار آیین درست زرتشتی نبودند، مقررات سخت ویژه آن آیین دایر بر دور انداختن اجساد که تصور می شد عفونت روحی مرگبار آن ها، زمین را آلوده می ساخته است، هر نوع تمایل به مرده پرستی و معماری آرامگاهی را از بین می برد. لاشه ها را بر روی سکوهای برافراشته یا در دخمه هایی که ترجیح می دادند در جایی دور افتاده باشد، در فضای باز قرار می دادند و هنگامی که مرغان لاشخوار یا جانوران گوشت های آن ها را بر می داشتند، استخوان ها را گردآوری کرده در ستودان ها و تربت دان ها دفن می نمودند. بدین طریق هنگامی که اسلام به ایران آمد هیچ سنت آرامگاهی وجود نداشت تا الهام بخش میل مسلمانان برای احداث چنین بناهایی باشد (میرزایی ۱۳۸۶، ۱۰).

نه تنها فقدان فیزیکی این نمونه های ساده معماری سد راه توسعه ساختمان های آرامگاهی می شد، بلکه اسلام بنیادی دقیقا از هرگونه یادگاری رسمی برای مردگان روگردان بود. پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص)، خود سفارش کرده بود که گورها هم سطح زمین باشند و جسد مرده را بلافاصله به قبر سپرده، بدون تشریفات در یک کفن سفید ساده مدفون سازند. با آن همه، این توصیه با رویه عمومی رسوم تدفین مرسوم بین اعراب آن زمان در تضاد بود. شیون بسیار برای مرده، پاره کردن لباس، کندن موی و خراشیدن صورت و پاشیدن خاک و خاکستر بر روی عزاداران عملی مشترک بود. پاره ای از این رسوم انعکاسی از محیط ایران باستان را در خود داشته اند، سادگی ای که

پیامبر به مومنان توصیه می کردند، هم از طرف اعراب و هم از جانب ایرانیان رعایت نشد (کیانی ۱۳۹۱، ۵۹).

در دو قرن نخستین اسلامی، همان گونه که قابل پیش بینی بوده، قبرهای دیگری از مقامات عالیه مذهبی، چون اصحاب پیغمبر یا اعضای اهل بیت مشخص شدند، محل دفن آنان را با نصب چوبی که در فرهنگ های دیگر شاخص عمومی گور بود مشخص می ساختند یا آن را با سایه بانی، چادری یا چیزی مشابه آن می پوشانیدند. این رسم تا روزگار جدید در بعضی قسمت های جهان اسلام مانند آسیای مرکزی و شرقی ادامه داشت. منظور از این اقدام فراهم ساختن سایه برای متوفی بود. این سایه تفسیری بود که از قرآن پیروی شده بود و یکی از برکات بهشت به شمار می رفت.

بدین نحو منع اصلی به گونه ای محسوس رفع شد؛ لیکن این کار در زمینه ای مذهبی به شکل ساده انجام گرفت. فقط گذشت زمان بود که سایه بان های پارچه ای را به شکل بناهای باشکوه آرامگاهی درآورد. باز در این جا محدودیتی که پیغمبر معین فرموده بود با تعبیرهایی مغالطه آمیز، کنار گذاشته شد. چنین استدلال می شد که چون زمین بالای گور در معرض باد و باران قرار دارد احداث سایه بان جایز است. با گذشت زمان وسیله دیگری برای اعتبار بخشیدن به آرامگاه پیدا شد؛ محرابی بدان افزوده گردید و بدین ترتیب مدفن (که اغلب یکی از مشاهیر دنیوی در آن به خاک سپرده شده بود نه شخصیتی مذهبی) به عبادتگاه تبدیل شد. بدین سان ساختن آرامگاه که عملی کاملاً شیعه وار است از سنت دیرپای اسلامی که طبق آن هر مکانی می توانست به عنوان مسجد مورد استفاده قرار گیرد، بهره گرفت. در سراسر ایران بسیاری از امامزاده ها، امروز جانشین مسجد شده اند (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ۱۰).

احداث و رونق بناهای آرامگاهی به واسطه رشد آیین شیعه بود. در میان اماکن مقدسه، مقابر امامان شیعه و بستگان آن ها در کربلا، نجف، مشهد، قم و سامرا، کانون طبیعی تمایلات مذهبی مردم شیعه گردید. سلسله ها و نهضت های شیعی برای زیارت مقابر و آرامگاه های اعقاب علی (ع) اهمیت زیادی قایل بودند و همیشه تلاش می کردند که اماکن مقدسه سنتی و کهن ایران را اسلامی کنند و همین روند از طرف ایران به سرزمین های غرب اسلامی، مخصوصاً مصر عصر فاطمی، نیز توسعه یافت (این پدیده در ایران ریشه ای عمیق و کهن داشت) (اتینگهاوزن، ۱۳۹۱، ۳۰۱).

همین که مراسم عزاداری دهم محرم و شعایر مذهبی تکامل یافته و پیچیده تر می شد، طبیعی بود که قبرها نیز علایم تکریم و تعظیم گوناگونی چون نرده، صندوقچه، ضریح های گران قدر و مانند آن را دارا شود و بالاخره همین مشخصات منجر به بناهای واقعی گردید. رشد سریع رسم زیارت قبور ائمه و خواندن نماز و ادعیه، ختم قرآن در این اماکن، اگر سخنی از رقابت روزافزون در به خاک سپردن مردگان در جوار مزار ائمه برای کسب فیض و برکت گفته نشود، همه عواملی بود که باعث بنای آرامگاه می شد.

هنگامی که آرامگاه ها به عنوان سمبل تمایلات سیاسی و مذهبی شیعه شناخته شد، مردم هدایای فراوانی شامل پول و املاک و اسباب موقوفی را به این اماکن مقدسه اختصاص دادند. زوار از راه های دور و نزدیک به امید زیارت و یا طلبیدن حاجت راهی شدند و موجبات آبادانی آرامگاه ها را فراهم کردند، به وسعت زمین های اطرافش افزوده گشت به طوری که گاه چندین جریب را در بر می گرفت و بدین ترتیب نقش عمده ای را در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا می کرد و از اهمیت والایی در محیط مذهبی برخوردار بود.

زیارتگاه های مشهد، قم و اردبیل نمونه های خوبی برای این مرحله هستند. چنین بنیادهایی در فراهم ساختن مایحتاج همه سطوح جامعه کوشیده، بدین نحو ابعاد چند گانه ای دارند. سه موردی که ذکر شد این موضوع را به خوبی مجسم می سازد. برای مثال، اردبیل در اوج رونق خود نشانه عظمت سلسله صفوی بود. چندتن از پادشاهان آن سلسله در آن جا مدفون گشته یا به زیارت آن شتافته اند (تصویر ۲). زیارتگاه مشهد به تدریج یکی از مالکان بزرگ خراسان گشت. قم قرن ها مرکز عمده علمی مذهبی گردیده، محل تربیت اصلی علمای (شیعی) ایران به شمار می رود. خصلت و ویژگی بقاع هرچه بود طبعاً کانون وابستگی محلی و ایالتی می شد و حتی غالباً از حمایت محلی بیشتر سود می برد تا سرپرستی دولت.

به نظر محققین، فرقه گرایی مذهبی در رونق آرامگاه ها نقش چندانی نداشته است زیرا اگرچه بزرگ ترین بقاع کشور از آغاز ظهورشان مراکز آیین تشیع بوده اما اماکن دیگری نیز هست که تحت حمایت اهل سنت است؛ مانند آرامگاه بایزید بسطامی (تصویر ۳) و تربت شیخ احمد جام یا آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات. گفته اند: شاه عباس شیعی مذهب سخاوتمندانه به عمارت بقعه ی سنی مذهبان تربت جام پرداخت و زیارتگاه مشهد از حمایت سلطان سنجر سنی مذهب مستفید

گردید. حتی در برخی موارد می توان چنین گفت: بقاع می توانستند در سطحی برتر در ایجاد پیوند های محض فرق نقشی ایفا کنند (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ۱۱).

پژوهشگران در مورد رواج آرامگاه سازی فرضیه دیگری نیز مطرح می کنند و آن چنین است: که این راه و رسم تا حدی با اشاعه اسلام در مورد جهاد ارتباط دارد. در ایران فعال ترین مرز با جهان کفر، بدون چون و چرا در شمال شرقی در طول مرزهای آسیای مرکزی قرار داشت. دقیقاً در همین جا، بیشترین آرامگاه های ایرانی یافت می شود. آیا این آرامگاه ها، بناهایی برای تجلیل از شهدایی است که در راه ایمان جان خود را فدا کرده اند؟ غالب این آثار بی نام است یا مربوط به شخصیتی می شود که در تواریخ ذکری از او نرفته یا دارای اسمی است که با سبک معماری جور در نمی آید. ظاهراً چنین وضعی یک قرن یا بیشتر بعد از آن در طول مرز بسیار فعال دیگر، در موقع جغرافیایی دیگر با جهان غیر اسلامی، یعنی نوبه پیش آمد. آسوان که نقطه عمده ی حرکت نظامی در نوبه بود محلی است که برای این منظور انتخاب شده بود، هنوز در این شهر در حدود ده- دوازده آرامگاه که تاریخ آن ها مربوط به قرون دهم و یازدهم میلادی است به چشم می خورد. بسیاری از این آرامگاه ها به طور بارزی از همان نوع سایه بانی هستند. به هر جهت، نباید تصور شود که ارتباط میان جهاد و پرستش بناهای آرامگاهی بدون چون و چرا امری محقق است، بلکه شاید دربر انگیختن آن آیین انگیزه ای نیرومند بوده است. بدین طریق، بار دیگر انسان درمی یابد که به علت اهداف مذهبی بوده است که در دستور اصلی مراسم تدفین و آیین مربوط به آن تغییری رخ داده است (کیانی، ۱۳۹۱، ۶۲).

علاوه بر نقش اسلام در ایجاد مقبولیت آرامگاه نزد مردم، نفوذ خارجی نیز در این روند نقش بسزایی داشته؛ مثلاً تاثیر از آرامگاه های رومی، یعنی برج های مقبره ای پالمیری یا شهدای اولیه مسیحی باشد. فرضیه دیگری که مطرح می شود این است که مردم ترک نژاد بیابان گرد اندیشه آرامگاه را به ایران آوردند و نزدیکی جغرافیایی آنان به ناحیه ای که نخستین آرامگاه های اسلامی ایران یافت می شود، دلیلی قوی بر اثبات این اندیشه است (کیانی، ۱۳۹۱، ۶۳). حتی تزیین چادرهای عشایری به طرز شگفت آوری شباهت های نزدیکی با بعضی از آرامگاه های اسلامی- ایرانی دارند. البته باید پذیرفت که برج های آرامگاهی باقیمانده اولیه پیش از روزگار سلجوقی را بیشتر سلاطین ایرانی ساخته اند نه فرمانروایان ترک نژاد (کیانی، ۱۳۹۱، ۶۴).

در هر صورت، روشن است که رسوم تدفین در ایران را نمی توان جدا از بقیه جهان اسلام مورد بررسی قرار داد و صرف نظر از این موضوع که این اندیشه چگونه به ایران رسیده، تردیدی نیست که در این دیار رونق بسزایی یافته است.

در دورانی که آرامگاه ها نخستین مرحله شکوفایی خود را آغاز کردند تنها ناحیه ای که تعداد آرامگاه هایش با ایران قابل مقایسه است، سرزمین مصر در زمان حکومت خلفای فاطمی است (کیانی، ۱۳۹۱، ۶۴).

از بناهای برجها مانده در دوران حکومت آن ها می توان حدس زد که معماری از چه جایگاه رفیعی نزد خلفای فاطمی برخوردار بوده است.

تنها در قاهره در برابر پنج مسجد برجها مانده، چهارده بنای تدفینی مربوط به این دوره وجود دارد. این بناها شهر اموات کاملی را به وجود آورده اند، سنتی که مسلما از هزاران سال قبل در مصر شکل گرفته بود. البته باید خاطر نشان کنیم که آرامگاه های ایران نسبت به مصر تحت نفوذ و تاثیرات فراوان تری قرار گرفته بود (هیلن برند، ۱۳۹۱، ۷۳).

در طی روند تاریخی آرامگاه ها، پس از دوره سلجوقیان، تفکیک معماری مدرسه، مقبره و مسجد در معماری ایران، به شدت دشوار است؛ به ویژه، آرامگاه ها که از زمان الجایتو به بعد هم بعد مذهبی قوی می یابند و هم آرامگاهی می شوند برای بزرگداشت مشایخ صوفیه.

علاقه الجایتو به انتقال پیکرهای امام علی(ع) و امام حسین(ع) به مقبره سلطانیه و تلاش قدسی گسترده ای که در تزیین مذهبی آرامگاه ها به عمل آمد، تقریبا مرز میان مسجد و مقبره را از میان برداشت و سبب برپایی آرامگاه هایی شد که پس از مدتی به زیارتگاه مردم مبدل می شد. این آرامگاه ها از یک الگویی پیشین بهره می گرفتند و آن مقبره ی بایزید بسطامی در شمال شرق ایران بود که در سال ۷۸۴م. (۲۶۱ه.ق) بنا شده است (بلخاری، ۱۳۸۸، ۸۶).

بنیاد دودمانی که مذهب شیعه را در ایران رواج داد و نام خود را از شیخ صفی الدین (درگذشته ۱۳۳۴م. / ۷۳۵ه.ق) -رییس فرقه ای صوفیانه که احتمال می رود شیعی هم نبود- می گرفت، در اردبیل در شمال غربی ایران قرار داشت. مشایخ این فرقه به تدریج بر اعتبار دینی و سیاسی خود افزودند تا اینکه اواخر قرن پانزدهم میلادی به نیرویی عمده با رهبران فرهمند متعدد در شرق آناتولی و شمال غرب ایران تبدیل شدند.

این مقطع همچنین دوره هایی از فوران هیجان‌ات مذهبی به شمار می رود که شاهد شکوفایی اسلام عامیانه، صوفی گری و تشیع تندرو بود. صفویان این سه نهضت را به هم آمیختند و فرقه ی خود را به حرکتی انقلابی و گاه پیامبرگونه ی شیعی تبدیل کردند؛ اینان نظام سیاسی پر فروغی پدید آوردند که از ۱۵۰۱م. ۹۰۷/ه.ق. به سرعت با تحکم و وحشت بر کل کشور غالب آمد (هیلن برند، ۱۳۹۱، ۲۲۳).

صفویان این گونه ادعا می کردند که مشروعیت آنان به نسبت بردن از خاندان پیامبر اسلام (ص)، و اعتبار آنان به عنوان مرشدان این فرقه ی صوفیانه در اردبیل و نیز بر این تقدیر الهی که شاه سایه ی خدا بر زمین است، بستگی دارد.

این باورها را دسته ای از روحانیون که با شتاب شکل گرفته بود، تبلیغ می کردند. تعداد زیادی از اینان اهل سرزمین های شرق مدیترانه، عراق و بحرین بودند که همراه با ایرانیانی که از تسنن به تشیع گرویده بودند، تشکیلات دینی تازه ای پدید آورده بودند (هیلن برند، ۱۳۹۱، ۲۲۴). از این رو حکومت صفوی کاملاً به حکومتی دینی تبدیل شده بود.

صفویان با رسمی ساختن مذهب شیعه، مبانی ایدئولوژی را پی ریختند که نه تنها حکومت را تقویت نمود بلکه در پدیداری احساس تازه ای از هویت ملی موثر بود. در دوره ی صفوی است که می توان روشن تر از هر زمان دیگر، رشته های احساس ملی را دنبال کرد که سرانجام چند قرن بعد، به ملیتی تمام عیار تبدیل گشت و تمامیت ارضی که صفویان بنا نهادند، پیش شرط لازم آن بود (هیلن برند، ۱۳۹۱، ۲۲۶).

## ۲-۳) تنوع معماری آرامگاه ها:

گسترده گی و فراوانی آرامگاه ها در سراسر جهان اسلام، مخصوصاً ایران، به حدی است که در هر شهر و آبادی، یک یا چند نمونه از آن را می توان دید؛ اما با ظاهری متفاوت. هرچند به علت تنوع در شکل و ساختار، نمی توان آن ها را مثل مساجد در گروه مشخص، سبک شناسی و دسته بندی کرد. این تنوع در شکل ظاهری و همچنین اندازه، پلان، تزیینات، مواد و مصالح مورد استفاده چه در بدنه ساختمان چه برای پوشش بام را شاید بتوان نتیجه عواملی چند دانست: یکی شرایط متفاوت



اقلیمی و آب و هوایی در ایران و دیگری مردمی بودن این بناها است که سلیقه ها و خواست های متنوعی را بازتاب می دهد.

گروهی از بناهای آرامگاهی، ملهم از چهار طاقی های ساسانی است؛ از جمله قدیمی ترین آرامگاه جغرافیای فرهنگی ایران بزرگ، یعنی آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا (تصویر ۴). گروه دیگر بناهای برجی با گنبد رک است که چادرهای اقوام زردپوست آسیای میانه را به یاد می آورد؛ همچون برج اردکان، گنبد قابوس (تصویر ۵)، برج کشمار. گروهی دیگر گنبد های نار دارند؛ همچون برج های آرامگاهی خرقان. گروهی گنبدهای شلغمی دارند؛ همچون خواجه ربیع در مشهد و آقا سلطان علی در مشهد اردهال کاشان (تصویر ۶). گروهی گنبد ارچین دارند؛ همانند آرامگاه دانیال نبی در شوش و یا آرامگاه یعقوب لیث صفاری در نزدیکی شوشتر و گروهی گنبد ندارند و سقف شان شیروانی است؛ همانند بیشتر بقاع گیلان. برخی هشت وجهی هستند؛ همچون گنبد سلطانیه (تصویر ۷) و گنبد علی در ابرقو. برخی مربع شکل اند؛ مانند گنبد سرخ در مراغه. برخی پلان دایره دارند؛ همانند برج پیر علمدار در دامغان. برخی پلان ستاره ای شکل دارند همچون گنبد قابوس (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ۱۱)

## ۲-۴) تنوع اسامی:

مسجد تنها نام عبادتگاه اصلی مسلمین است. این واژه در زبان های عربی، ترکی، فارسی و اروپایی نیز همین گونه بکار می رود. اما شمار نام های بناهای آرامگاهی در ایران و دیگر سرزمین های اسلامی بسیار زیاد است.

فهرست اصطلاحاتی که در متون قرون میانی برای آرامگاه ها به کار رفته است و کتیبه ها نشانه ی دیگری از آن غنا است و فقط تنوع آن، یادآور کاربردهای بسیار وسیع آرامگاه ها در جامعه ایرانی، در قرون میانه است. اصطلاحات متداول شامل «روضه»، «گنبد»، «مشهد»، «مرقد»، «آستانه»، «قبر»، به استثنای واژه های معمول دیگری، مانند «مکان» و «بنا» یا اصطلاحات ویژه ای، چون «قدمگاه» یا «امامزاده» است. مطلب شگفت آور این است که اصطلاحات به کار رفته برای مفهوم آرامگاه بر مفهوم دیگری غیر از آن نیز دلالت داشته است (کیانی، ۱۳۹۱، ۶۶).

در مورد نام های دیگری که متداول است می توان: بقعه، مدفن، حرم، برج، تربت، مزار، مضجع و گور را نیز برشمرد.

شخصیت های آرمیده در این بناها نیز عنوان هایی متنوع دارند مانند: امامزاده، شاه، شاهزاده، بزرگوار، آقا، پیر، بابا، دانا، سید، سلطان، شیخ، ملا و حضرت. مثلا آرامگاه شهدا در فهرج یزد، بقعه پیر احمد زهر نوش در ابهر زنجان، مرقد مطهر حضرت معصومه (ع) در قم، بارگاه ملکوتی ثامن الائمه در خراسان، مشهد اردهال در نزدیکی کاشان، آرامگاه آقا سید اشرف در شهر آستانه اشرفیه گیلان، زیارت شاه واروق در نزدیکی تفرش، مدفن دوازده تن در ملاط رانکوه گیلان، مقبره بابا رکن الدین در یزد، حرم امام خمینی در تهران، برج رسکت و یا برج لاجیم در مازندران، تربت حیدریه در خراسان، مزار شریف در افغانستان، مضجع شریف رسول الله در عربستان و گور باباعلی در کردستان. گرچه گروهی از این نام ها اسم مکان است و گروهی دیگر صفتی است برای شخص مدفون در آن مکان، در بسیاری مواقع ترکیب و آمیزش میان نام مکان و صاحب مکان به چشم می خورد. چنان که مشهود است خرده فرهنگ های بومی و سلیقه های مردمی و محلی در نامگذاری نیز اثر کرده است (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ۱۲).

## ۲-۵) نقش اماکن متبرکه در باورهای مردمی:

هنگامی که فردی پای به این مکان مقدس می گذارد، در پی شناخت اصالت و نسب شخص آرمیده در آنجا نیست بلکه با احساسش وارد می شود و خواستار کسب فیض از این بزرگ مرد است که به گمانش شهیدی است از شهدای صدر اسلام که در برابر آرمان های الهی اش دست از جان شسته و به قرب الی الله رسیده است. به گمان اکثر مردم، این راد مردان چون از احفاد امام علی (ع) و امام حسین (ع) هستند، پس امامزاده به شمار می روند و از خاندان عصمت و طهارت و شفیع روز محشرند و رابطه فیض؛ پس می توانند خواسته مردم را به خداوند انتقال دهند و از این طریق با شفاعت امام نزد خداوند گناهان بخشیده شود و مطهر گردند.

مطالعه اسناد تاریخی نشان می دهد که اغلب این «امامزادگان» و «بزرگواران» علویانی هستند که از دست ظلم و ستم حکام اموی و عباسی به سرزمین های دیگر پناه آورده اند و مردم ساده دل و صمیمی با آغوش باز به استقبال آنها شتافته و در بین خود پذیرفته اند. البته ناگفته نماند که برخی نیز

مردم متدین و پاکدامنی هستند که در جنگ ها جان در طبق اخلاص گذاشته و به دیار حق شتافته اند.

توجه به بقعه و امامزاده گویای یک نیاز عمیق انسانی است به داشتن سمبل، قهرمان، پناهگاه، شفیع، توتم و روح مشترک. وجود درختان مقدس، اشیاء متبرک، کوه ها، چشمه ها و چاه های نظر کرده یادآور همین اصل و نیاز عاطفی انسان ها ست، بدین معنی که حتی درخت یا شیء دیگر نیز می تواند برای مردم جایگزین یک قهرمان باشد.

مردم برای برخی از درختان احترام قایل هستند و برای آن شمع روشن می کنند، دخیل می بندند و نذر می کنند. حتی برخی از همین درختان در اثر گذشت زمان به امامزاده تبدیل شده اند. طی سالیان اخیر در حدود ده درخت را که رایینو در کتاب خود به نام مزار خواننده، در زمان وی جز درختی تنومند چیز دیگری نبوده است که امروز کنار آنها بنایی ساخته و به نام امامزاده ای نامگذاری کرده اند. این رسم در سراسر ایران قابل مشاهده است. درختان تنومند و کهنسال در همه جا با زیارتگاه ها ارتباط تنگاتنگ دارند، مانند چنار کهنسال درون آرامگاه شاه واروق در روستایی به همین نام در نزدیکی تفرش، چنار کهنسال جنب مسجد جامع تفرش، چنار کهنسال امامزاده صالح در تهران، هفت چنار در جنوب غربی تهران، سرو کهنسال مجموعه آرامگاهی شهداء در فهرج یزد. همچنین است احترامی که برخی از درختان در فرهنگ عامه ایرانی داشته اند؛ همچون سرو کاشمر، سرو ابرقو (تصویر ۸)، سرو هرزویل و سرو مهریز یزد (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ۱۲).

بقعه، جایی است که می توان به آن پناه برد، راز و نیاز کرد و عقده دل را گشود، حرف های ناگفته را گفت و هر کس به این مکان می آید می داند که صاحب خفته در آن جا سنگ صبوری است بر درد دلهايش، گوش جان می سپارد به خواسته هایش و حاجتش را برآورده می سازد و اگر دردی دارد شفایش می دهد.

یکی از اصطلاحاتی که مردم برای بناهای آرامگاهی و اشخاص مدفون در آن جا به کار می برند «واجب التعظیم» است. از همین اصطلاح و عنوان های مشابه نیز می توان به جایگاه رفیعی که صاحبان این بناها، چه حقیقی و چه موهوم، در میان مردم دارند پی برد.

غالباً مردم احترامی آمیخته با تقدس برای ایشان قائل اند، تا جایی که نحوه ورود و خروج به این گونه بناها همراه با آیین ها و قراردادهای نانوشته ای است؛ مثلاً از دور اظهار ارادت خود را با سر

خم کردن و دست بر سینه در برابر بنا یا ضریح ایستادن، نشان می دهند یا از دور و نزدیک به هنگام رویت بنا السلام علیک می گویند. پس از ورود به دعا و نیایش می پردازند و هنگام خروج به پشت حرکت کرده و به آرامی خارج می شوند. گویی حرکت جسم نیت روح را می رساند؛ اگر به ظاهر کسی به امامزاده پشت کند گویی در معنی نیز به او پشت کرده و روی از حضرت اش برتافته است (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ۱۳).

اماکن متبرکه، فرهنگ مردمی را در خود زنده نگه داشته و دیرتر از دیگر جاها دستخوش آسیب و فراموشی می شود. البته این فرهنگ در شهر و روستا دارای شدت و ضعف است. آقای میرزایی مهر در مورد بقاع متبرکه می گوید: بقعه مکانی است که می توان در آنجا خلوت کرد و ساعتی با خویشتن خویش به گفتگو نشست و رنگ و ریا را کنار گذاشت و از تعلقات فارغ شد. می توان به آنجا روی نیاز آورد و با بزرگوار خفته در آنجا وارد معامله شد، معامله ای عاشقانه! تا اگر آن نیاز ویژه قلبی را که زائر می داند و آن بزرگوار برآورده گرداند هدایایی به بقعه اهدا گردد. هنوز بسیاری کسانی که برای اجابت حاجاتشان در بقاع متبرکه نذر می کنند. اگر به موضوع این نذرها و حاجت های مربوطه اش نگاه کنیم دچار شگفتی خواهیم شد و خواهیم دید که بقاع تا چه حد در کنه ضمیر روستاییان و عامه مردم نفوذ دارند و با عمیق ترین و شخصی ترین لایه های وجود این مردم سر و کار دارند، نذر برای باردار شدن تا قبولی در کنکور دانشگاه و یا یافتن شغل مناسب و یا فراوانی محصول و بارش مطلوب بهاره و به سلامت رسیدن مسافران به مقصد، بهبود بیماران و غیره. پس از برآورده شدن حاجت ها و آرزوها، گستره عکس العمل ها و تعهدها نیز شایان توجه است. مثلا تقدیم هدایای مادی همچون پول و پارچه، شیرینی، حلوا، خرما، شمع، چراغ، نفت، فتیله و لامپای ارزان قیمت تا فرش و ضریح پوش و زیرانداز و لوسترهای گران قیمت و نیز ادای اعمال معنوی همچون روزه، نماز، دعا، نیایش، صلوات، ختم انعام و سفره ابوالفضل.

برگزاری آیین های مذهبی و ملی ارتباطی تنگاتنگ با اماکن متبرکه دارد. در ماه های عزاداری چون محرم و صفر و نیز تولد امامان و مناسبت های دیگری از این دست، بقعه گویی حال و هوای دیگری دارد. متولی یا مردم داوطلبانه این اماکن را آب و جاروب کرده و برای مراسم آماده می کنند. آمد و شد زیادتر شده و بساط پذیرایی از زائران مهیاست. آیین سوگواری برای ائمه یا مولودی خوانی برای ایشان معمولا درون بقاع یا در جوار این بناها صورت می پذیرد. بسیاری از این اماکن علم